

در چینی عزیزم زود پس جان سلام شنیدم نزدیک یک ماه قبل  
 آمدی خوشتر آمدی این و ده هفته نبودی و اگر هم لبوی خستگ از  
 تنهت بیرون آمده باشد تا کنم که بسبب فاصله زیاد نتوانستم  
 بدینت پیام شایسته این برده تا یک ماه دیگر ترا ببرم میدانم  
 به هر که آمدی هنوز نمی‌شناسی شایسته هم پدرم را تا چه رسد  
 به من که پدر تو نیستم اما یقین دارم که بزودی همه چیز و همه جا همه  
 خواهری گفت اول با بود، بعد پیرفان و تنها در صورتی  
 با بود و روز یکشنبه ۱۷ تیر از لوس آنجلس به کنگال (دارا) رفت  
 من روم و بعد از توقف حدود ۲ روز در آنجا به سیریا گور و از آنجا  
 با اروپا و اروپا را به سید و بار خدا حافظی کرده به لندن می‌روم  
 حدود حد اکثر یک هفته پیر از دور به لندن می‌روم و می‌آیم اگر کاری  
 با من در آنجا یا چیزی می‌خواهی به خانه زنگ بزن که به من بنویسد چون

خطاب بنویسند آدرس لندن مرا دارد

روپين جان راه دلازمی که در آینده داری در نظر بعضی از بچه های فطرت  
 و قدری کثرت و با تو را آنها هستی که با لذت تمام به استغناء همه کس است و  
 دشواری، صبر و محبت بکار زندگی و روزگار همیشه قیافه است در جسم می گنم و  
 صبرم از تپه های بچه های هستی که افق روشن را با دید تیز بینیت  
 صبرم و بیمار رسیدن به آن تلاطم می کنی و مشکلات راه بیمار تو هم  
 آسان است بمن بگو آیا حدیثی در است یانه؟

به قدرت قیام نیار که لادن جواب مرا به من عرض صبر می گنم، روزگار  
 تو بیمار رسیدن به آینده روشن که صبرم در دنیا باقی و جواب این

سؤال را به آدرس در ایروان (این دنیا یا آن دنیا) به ای =  
 روپين جان چون خوابت میاد زیر خسته است نمی گنم سلام مرا به بابا و ما  
 دیار در کردن کلفتت آرزو و پیر فاخته است اینها با بابا و دختر فاخته  
 و همه به من دعوت و لذت رفاه نمید و فاخته پیرین و فاخته پیرین در ایروان  
 ما آن بزرگ بزرگ قبول تو به پایدی

در لوزن آذربایجان ۱۴۸۳ ۱۳۸۳